

گفت وگو با دزدی که حشرات زیرپوستش را با چاقو بیرون می کشید!

ماجرای هولناک یک «سرخیوست»

سید خلیل سجاد پور - چند روز قبل نیروهای کلانتری شقای مشهد در یک عملیات هماهنگ و ضربتی، باند معروف به «سرخیوست» را در حالی متلاشی کردند که با دستگیری اعضای این باند از ده هافقره سرقت های باتری و اموال داخل خودروها فاش شد. به گزارش اختصاصی خراسان، در این عملیات که در راستای مبارزه با سرقت در شب های کرناوی و با صدور ستوری از سوی سرهنگ عباس صارمی ساداتی (رئیس پلیس مشهد) صورت گرفت، نیروهای گشت انتظامی با شلیک تیر هوایی موفق شدند یک زوج جوان و همدست آن ها را هنگام سرقت باتری خودرو در خیابان شهید هنرور دستگیر کنند. سرکرده این باند که به «سرخیوست» معروف است و برای گمراه کردن ماموران انتظامی از همسر صرغه ای اش در سرقت ها استفاده می کرد در حالی به سرقت سه باتری کشف شده از داخل پراید نقره ای اعتراف کرد که مدارک شناسایی سرقتی زیادی نیز در بازرسی از کیف همسرش به دست آمد.

به گزارش خراسان، اعضای این باند سابقه دار که توسط افسران کارآزموده دایره تجسس مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بودند به بیش از ۵۰ فقره سرقت از خودروها معترف شدند. «قاسم» یکی از اعضای این باند که دو ماه قبل از زندان آزاد شده بود مدعی شد که پراید مورد استفاده در سرقت ها متعلق به پسرش است که رانندگی آن را «سرخیوست» به عهده داشت. متهمان این پرونده با دستورات ویژه قاضی «غرابادیان» برای کشف سرقت های احتمالی دیگر و شناسایی شاکیان در اختیار نیروهای تجسس قرار گرفتند آن چه می خوانید گفت و گوی کوتاه «خراسان» با سرکرده این باند در حاشیه رسیدگی به جرایم آنان است.

نامت چیست؟ - امین - الف اما در میان دوستانم به سرخیوست مشهورم!
چرا به این نام مشهوری؟ به دنبال مصرف بی رویه شیشه همیشه احساس می کردم حشراتی در زیر پوستم در حرکت هستند بنابراین با دست چاقو صورت مرا می خراشیدم تا آن حشرات را خارج کنم که باعث قرمزی صورت می شد که به تدریج دوستانم چنین نامی بر من نهادند!
چند سال داری؟ ۳۷ سال دارم.
اهل مشهدی؟ بله در منطقه خواجه ربیع سکونت دارم.

چقدر سواد داری؟ تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواندم.

چرا ترک تحصیل کردی؟ ۱۲ سال داشتم که پدرم بر اثر سکته قلبی از دنیا رفت و برای این که به سر کار بروم مجبور شدم ترک تحصیل کنم.

شغل ت چیست؟ گیربکس ساز هستم البته فعلا بیکارم و هیچ گونه درآمدی ندارم.
چند خواهر و برادر داری؟ پنج برادر و پنج خواهر دارم.

دوره کودکی و نوجوانی ات چگونه سپری شد؟ تازمانی که پدرم در قید حیات بودند زندگی خوبی داشتیم با این که بسیار فقیر بودیم و پدرم که یک کارگر ساده بنایی بوده سختی شکممان را سیر می کرد اما باز هم روزگار خوشی را در کنار پدرمان سپری می کردیم اما بعد از مرگ پدرم همه چیز به یک باره از هم پاشید. مادرم در خانه های مردم کارگری می کرد تا هزینه های خانواده پر جمعیت مان را تامین کند من هم ترک تحصیل کردم تا به سر کار بروم.

در آن دوران به چه کاری مشغول شدی؟ به سر گذر برای کارگری و بنایی می رفتم.
بزرگ ترین آرزوی دوران کودکی ات چه بود؟ با این که پدرم هیچ گاه خودروی شخصی نداشت اما من از از بچگی به ماشین خیلی علاقه داشتم و همیشه دوست داشتم روزی مکانیک شوم.

ارتباطات با دیگر اعضای خانواده (خواهرها و برادران) چگونه بود؟ خوب نبود مدام با یکدیگر نزاع و درگیری داشتیم.
چرا؟ من خیلی عصبی بودم و تحمل حرف زور را نداشتم اگر بر خلاف عقیده ا حرفی می زدند با آن هادرگیری می شدم و کتکشان می زدم!
تلخ ترین خاطره دوران کودکی ات را به خاطر داری؟ بله! من در دوران کودکی و نوجوانی خیلی به ماشین علاقه داشتم و تنها سرگرمی ام این بود که هر پولی به دستم می رسید پوسترو عکس ماشین های خارجی را خریداری و به دیوار خانه نصب می کردم. یک روز با یکی از خواهراتم درگیر شدم و او را کتک زدم و هم دور از چشم من پوسترهارا از روی دیوار برداشتم و همه را تکه تکه کرد و وقتی فهمیدم خیلی ناراحت شدم و برای این که انتقام بگیرم او را در اتاق زندانی کردم و یک گربه سیاه را به جانش انداختم چون می دانستم او را گربه سیاه خیلی می ترسد.

از دواج کردی؟ بله برای اولین بار در سن ۲۲ سالگی با دختر دایی ام ازدواج کردم که به رغم داشتن دو فرزند دختر و پسر این ازدواج پس از گذشت پنج سال به طلاق و جدایی ختم شد و دومین بار نیز هنگامی که ۳۲ سال داشتم ازدواج کردم و اکنون با همسر دوم (یکی از همدستان متهم) زندگی می کنم.
فرزندانت چه وضعیتی دارند؟ با مادرشان زندگی می کنند اما مدت هاست که از وضعیت آن هابی اطلاعم.



مناقضه عمومی معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات (آستان قدس رضوی)
معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی در نظر دارد که نسبت به گرفتن پیمانکار تعمیر و نگهداری و ایرواری دستگاههای تاور و آسانسور و دیزل ژنراتور کارگاهی پروژه اداری ثامن اقدام نماید لذا شرکت های واجد شرایط می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۶ جهت دریافت اسناد یا دبیرخانه معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۵۱۳۲۰۰۱۰۰۷ تماس حاصل نمایند. ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقصات خواهد بود.

مناقضه عمومی معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات (آستان قدس رضوی)
معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی در نظر دارد که نسبت به خرید بست کیوسک و تجهیزات مربوطه اقدام نماید لذا شرکت های ذیصلاح (مورد تایید شرکت برق) می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۶ جهت دریافت اسناد یا دبیرخانه معاونت فنی و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا سازمان مرکزی آستان قدس رضوی مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۵۱۳۲۰۰۱۰۰۷ تماس حاصل نمایند. ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقصات خواهد بود.

مناقضه عمومی عملیات تکمیلی پروژه ثامن اداری
آستان قدس رضوی در نظر دارد از طریق مناقضه عمومی (دو مرحله ای) نسبت به انتخاب پیمانکاران دارای حداقل رتبه ۳در رشته های ساختمان و ابنیه و تاسیسات و تجهیزات جهت تکمیل پروژه ثامن اداری به متراژ حدودی ۳۰،۰۰۰ مترمربع اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت های واجد شرایط که دارای رزومه مناسب در زمینه ساخت اینگونه مجموعه ها میباشند، دعوت میباشند، جهت دریافت اسناد ارزیابی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۳ به دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس رضوی به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی معاونت عمرانی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۵۱-۳۲۰۰۱۱۲۶ تماس حاصل نمایند. ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقضه خواهد بود.

نقش شمار در سرقت ها چه بود؟ بیشتر اوقات قاسم راننده بود و من سرقت ها را انجام می دادم.
اموال سرقتی را چگونه به فروش می رساندی؟ اغلب به مواد فروشان می فروختم و به جای آن شیشه و کریستال دریافت می کردم.
همسرت چه نقشی در این سرقت ها دارد؟ به عنوان پوشش از او استفاده می کردیم که کسی به ما مشک نکند.

کسی شاگردی کن!
سرقت های متعددی در سطح شهر مشهد انجام دادم شاید تعداد آن ها ۵۰ فقره سرقت یا بیشتر باشد.

بیشتر چه نوع سرقت هایی انجام می دادی؟ بیشتر باتری خودروها را سرقت می کردم.
خودرویی که به وسیله آن سرقت ها را انجام می دادید متعلق به چه کسی است؟ خودرو متعلق به همدستم به نام قاسم - ط است.
در خصوص سه عدد باتری کشف شده از داخل خودرو چه توضیحی داری؟ باتری ها را امروز سرقت کردیم.
تعدادی مدارک هم از کیف همسرت کشف شده آن ها متعلق به چه کسی است؟ آن ها را چند روز قبل از داخل یک دستگاه پژو پارس سرقت کردیم.

بیشتر سرقت ها را از چه مناطقی انجام می دادی؟ حضور ذهن ندارم از هر جایی که می توانستم سرقت می کردم.
چند فقره سابقه کیفری داری؟ شش فقره سابقه کیفری دارم.

زندان را چگونه جایی می بینی؟ به نظر من زندان اصلا جای خوبی نیست.

چرا؟ چون خیلی چیزها که در خواب هم نمی توانی ببینی آن جا با چشمان خود می بینی! به عبارت ی هر خلاقی که بلد نباشی آن جایاد می گیری.

اگر به جای قاضی پرونده ات بودی چه حکمی برای خودت صادر می کردی؟ کاش قاضی پرونده فرصت دوباره ای به من بدهد قبول دارم اشتباه کردم اما می خواهم زندگی ام را از نو بسازم.

همان طور که خودت بیان کردی شش فقره سابقه کیفری در پرونده ات داری چرا هر بار که از زندان آزاد شدی و فرصت دوباره ای داشتی زندگی جدیدی را آغاز نکردی؟ بله اشتباه کردم.
آیا قبل از دستگیری از عمل خود پشیمان شده ای یا احساس گناه داشتی؟ بله خیلی زیاد احساس گناه داشتم از سر اجبار سرقت انجام می دهم نه از سر دلخواهی!

دزدسیم برق شبکه هوایی، عامل خاموشی های ناگهانی

توکل - عامل خاموشی های ناگهانی شهر کرمان در عملیات نیروهای پلیس به دام افتاد. به گزارش خراسان، به دنبال بروز خاموشی های ناگهانی به علت سرقت سیم برق شبکه هوایی در شهر کرمان، ماموران کلانتری ۱۲ شهر کرمان (۱۷ شهریور) با بررسی میدانی محل های وقوع سرقت، مشخصاتی از یک سارق تک رو را به دست آوردند و در ادامه این متهم ۴۰ ساله و

معتاد را طی یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر کردند. سرهنگ مهدی پورامینایی فرمانده انتظامی شهرستان کرمان با اعلام این خبر و با اشاره به کشف مقداری سیم برق سرقتی از مخفیگاه این سارق افزود: این متهم در بازجویی های پلیس به ۱۷ فقره سرقت سیم برق شبکه هوایی در شهر کرمان اعتراف کرد که با تشکیل پرونده به مرجع قضایی تحویل شد.

در امتداد تاریکی

در مسیر رسوایی!

پدرم معتقد بود دختر هنوز چشم و گوش بسته است باید از دواج کند تا به سوی جنس مخالف گرایش پیدا نکند. با وجود این نمی دانم چگونه در گیر ماجرای وحشتناک و زنده شدم که رسوایی بزرگ انتظارم رامی کشدو...

این هابخشی از اظهارات زن ۱۹ ساله ای است که به دنبال شکایت همسرش یا به کلانتری رسالت گذاشته بود. این زن جوان که کوله باری از ندامت را به دوش می کشید و زندگی اش را در آستانه نابودی می دید، در باره سرگذشت گناه آلود خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: هنوز سال آخر دبیرستان را انگذرانده بودم که به اصرار پدرم پای سفره عقد نشستم. پدرم اعتقاد داشت دختر باید با چشم و گوش بسته یا به خانه شوهر بگذارد تا وارد روابط غیر اخلاقی نشود.

خلاصه ۱۷ سال بیشتر نداشتم که مراسم عقد کنار من و ابراهیم بر گزار شد ولی نامزد هم چاه بر ایم خرید نمی کرد یا پولی برای تهیه لوازم ضروری زندگی به من نمی داد. در حالی که از زود داشتم مانند بسیاری از نوزعر و سان لیاس های شیک پوشم و لوازم آرایش داشته باشم، اما خانواده همسرم با این بهانه که مخارج نوزعر و س در دوران نامزدی بر عهده خانواده خودش است و ما چنین رسومی نداریم، از پرداخت هر گونه هزینه برای خرید لوازم ضروری خودداری می کردند. از سوی دیگر نیز خانواده ام انتظار داشتند تا نامزد هم هزینه های معمولی را بپردازد، به همین دلیل من همواره در حسرت خیلی از موضوعات ساده زندگی ماندم که بر ایم به یک آرزو تبدیل شده بود! بالاخره یک سال بعد زندگی مشترکمان را در حالی آغاز کردیم که نه تنها ابراهیم به همین رفتار هایش ادامه می داد بلکه بسیار رفیق باز بود و دوستان مجردش را به خانه دعوت می کرد و من مجبور به پذیرایی از آن های شدم. در این میان فرامرز بیشتر از دیگر دوستانش به خانه ما رفت و آمد داشت به طوری که حتی در نبود ابراهیم نیز به خانه ام می آمد و منتظر همسر می ماند. در همین روابط ناشایست بود که آرام آرام پیامک های فرامرز با مضامینی عاشقانه شروع شد و من هم به تدریج به او وابسته شدم. در این میان همسر به جای آن که ارتباط خود را با دوستان مجردش قطع کند، به من سوظن پیدا کرده به طوری که مرا در خانه زندانی می کرد و سر کار می رفت. من هم که دچار یک لجبازی مغرورانه شده بودم سعی می کردم رفتارهایی انجام بدهم که همسر به خاطر بدبینی هایش دچار رنج روحی شود. روزها به همین ترتیب می گذشت تا این که یک روز، زمانی که در خانه زندانی بودم کلیدها را مخفیانه از جیب همسرم برداشتم و از خانه بیرون زدم. چون جایی برای رفتن نداشتم، به سراغ فرامرز رفتم، و قصه فرامرز را برایش شرح دادم و به او گفتم که دیگر از این زندگی موش و گربه بازی خسته شده ام و باید این مشکل را به طور ریشه ای حل کنم. فرامرز هم که با نگاه های هوس آلودش به دنبال چنین فرصتی می گشت، از من خواست تا به خانه مجردی او بروم. در همین اثنا همسر متوجه حضور من در منزل مجردی دوستش شده بود که ناگهان به همراه نیروهای انتظامی به سراغ آمد و این گونه من در مسیر یک رسوایی بزرگ و آبروریزی خانوادگی قرار گرفتم اما ای کاش...

شایان ذکر است، با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد روح... اطفی (رئیس کلانتری رسالت مشهد) رسیدگی به این پرونده و بررسی های روان شناختی آن به کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد تا ریشه های این ماجرا مورد کنکاش های علمی و تجربی قرار گیرد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی مناقضه شماره ۱۶۶ شرکت قطار شهری مشهد

موضوع مناقضه: انجام خدمات پذیرایی و نظافت شرکت قطار شهری مشهد به صورت حجمی

مدت و محل و نحوه انجام کار: یک سال شمسی و محل انجام کار در شهر مشهد و میزان خسارت / جریمه مطابق با شرح اسناد مناقضه

مهلت و محل خرید اسناد مناقضه: از تاریخ انتشار آگهی مناقضه لغایت مورخه ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ از آدرس: مشهد: انتهای بلوار رستمی حاشیه بزرگراه بسیج - ساختمان قطار شهری مشهد - طبقه چهارم (اتاق ۱۴۰۲) - امور قراردادهای مناقضات.

تلفن تماس: ۰۵۱-۳۳۰۳۰۴۰۵

قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰۰٫۰۰۰ ریال به حساب شماره ۴۰۰۰۴۳۰۰۰ شرکت قطار شهری مشهد نزد بانک تجارت شعبه مرکزی مشهد.

میزان سپرده شرکت در مناقضه: مبلغ ۵۴۹٫۵۷۲٫۲۷۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی معتبر یا واریز نقدی به حساب ۴۰۰۰۴۳۰۰۰ شرکت قطار شهری مشهد نزد بانک تجارت شعبه مرکزی مشهد

زمان و محل تحویل و قرائت پیشنهادها: پیشنهاد دهندگان باید حداکثر تا ساعت ۹:۳۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ پاکت های پیشنهاد خود را با اخذ رسید به دبیرخانه شرکت قطار شهری مشهد تحویل نمایند. پیشنهاد های واصله راس ساعت ۱۰ صبح روز همان روز در حضور کمیسیون مناقضه باز و خوانده خواهد شد. حضور پیشنهاد دهندنده یا نماینده ایشان در جلسه کمیسیون مناقضه بلا مانع می باشد.

نحوه اعلام برنده مناقضه: مطابق با اسناد مناقضه.

ضمانت نامه حسن انجام کار: مطابق با اسناد مناقضه.

مقاصیان برای شرکت در مناقضه به آدرس www.ets.mashhad.ir **مراجعه نمایند.** ثبت نام کلیه مناقضه گران در سامانه vendor.mashhad.ir الزامی می باشد.

شرکت قطار شهری مشهد